

چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه

سید محمد محمدی (نویسنده مسئول)^۱

میکائیل جمال‌پور^۲

چکیده

برای بررسی تحلیلی چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه لازم است متغیرها، مؤلفه‌ها و عناصر مهم موضوع، مورد واکاوی قرارگیرد چرا که؛ اسلام سیاسی از عمده‌ترین جریان‌ها و گفتمان‌های اثرگذار در تحولات اخیر در ترکیه بوده است. از این رو مقاله حاضر با هدف بررسی تحلیلی چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه نگاشته شده است. پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، موضوع اسلام سیاسی و تأثیرات امنیتی آن را مورد بررسی قرار خواهد داد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای می‌باشد که از نوع مطالعات اسنادی داده‌های تحقیق گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل متون سیاسی مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است. براساس یافته‌های این تحقیق، اسلام سیاسی در ترکیه بر تحولات امنیتی منطقه، در توانایی ترکیه در حل بحران‌های منطقه‌ای، توانایی یا عدم توانایی دولت ترکیه در ایجاد نوعی موازنه قدرت در منطقه و حل تعارضات موجود در سیاست خارجی این کشور مؤثر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ترکیه، اسلام سیاسی، تحولات امنیتی، حزب عدالت و توسعه

۱. دانشجوی مقطع دکتری، اندیشه‌های سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تبریز، ایران.
smmk.6567@gmail.com ORCID: 0000-0002-5898-1214

۲. استادیار فلسفه دانشگاه پیام نور تبریز، استادیار دانشگاه آزاد فلسفه دانشگاه آزاد واحد تبریز، ایران.

مقدمه

گفتمان اسلام سیاسی علی‌رغم مشترکات زیاد در اصول، در فروع دارای تنوعات زیادی است که این تنوعات خرده گفتمان‌های متعددی را ذیل گفتمان اصلی شکل می‌دهد، به طوری که می‌توان از جریان‌های مختلف اسلام سیاسی سخن گفت، اما جملگی با رویکردی انتقادی به تمدن غرب می‌نگرند و آنچه موجب فعال‌سازی ذهن و عمل مسلمانان گشته، متغیر مدرنیته و ارزش‌های تمدن مدرن است. گفتمان اسلام سیاسی در بخش‌های مختلف جهان اسلام از جمله ایران، جهان عرب، ترکیه، افغانستان، پاکستان و ... ویژگی‌های خاص خود را دارد و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است؛ همچنین ممکن است در درون یک کشور نیز از تنوعات خاصی برخوردار باشد (ایزدی و اکبری، ۱۳۹۵: ۵۰). در این راستا جمهوری ترکیه تجربه‌ای شکننده و پُر تحول از دموکراسی را سپری کرده است. این کشور با یک تغییر سهمگین از طرف سکولاریسم غرب مواجه شد و اختلاف و کشمکش میان اسلام و سیاست یک حادثه تاریخی جدید نوظهور در ترکیه است، که در چارچوب تمدن‌سازی کنونی نمی‌تواند به این اختلاف که در تمدن مسلمانان و مسیحیان نمایان است پاسخ دهد. با توجه به ورود اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) به عرصه قدرت نظام سیاسی ترکیه از کانال دموکراسی، تحول‌های سیاسی ترکیه به سمت تحکیم و تثبیت در حرکت است و تحول‌های ساختاری کلان و موازنه قدرت نوین عرصه سیاسی ترکیه، زمینه‌ساز تحکیم این فرایند هستند (نوری تل زالی و فلاحت پیشه، ۱۳۹۶: ۳۰). این وضعیت به همراه تحکیم و تثبیت حزب عدالت و توسعه سبب شده تا تأثیرات امنیتی فراوانی بر تحولات منطقه‌ای داشته باشد لذا آنچه ضرورت نگارش این مقاله را نشان می‌دهد این است که پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه و قرائت خاص این حزب از اسلام سیاسی دارای تأثیرات فراوانی بر منطقه بوده است و چشم‌انداز امنیتی منطقه را متأثر از خود ساخته است. لذا در این راستا این پرسش مطرح می‌شود که: چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه چگونه ارزیابی می‌شود؟ و روند این تأثیرگذاری به کدام سمت و سو در حرکت می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

بی‌شک یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های محقق در انتخاب این موضوع، عدم ارائه پژوهشی جامع

و روشن در این زمینه بوده است. محقق براین عقیده است که علی‌رغم انجام پژوهش‌ها و تحقیقاتی در زمینه‌های اسلام سیاسی و تحولات آن، تاکنون هیچ‌کدام از آنها به صورت مستقل به بررسی چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه پرداخته است و نیز نظراتی که پیرامون این موضوع در ادامه مطرح می‌شود به شکلی متفاوت به مسئله امنیت و ساختار امنیتی اشاره دارند و هیچ‌کدام به طرح، دفاع یا انکار فرضیه این پژوهش، به صورت خاص و منسجم پرداخته‌اند. برای روشن شدن پیشینه تحقیق به ذکر چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اکتفا می‌کنیم.

حسین پوراحمدی میبیدی و عباس ذوالفقاری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «انواع مدل‌های اسلام سیاسی و تعامل آن‌ها با سیاست جهانی» ضمن بررسی مفهوم اسلام سیاسی به بررسی عوامل مؤثر بر آن می‌پردازند و عواملی از جمله مسأله فلسطین، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اشغال افغانستان، فروپاشی شوروی، حادثه ۱۱ سپتامبر و بهار عربی اشاره می‌کنند. نگارندگان در این مقاله تلاش دارند تا با سه روش توصیفی، تحلیلی و تبیینی انواع مدل‌های اسلام سیاسی، قالب‌های فکری و ساختار و کارگزاران آنها را توصیف و ضمن تحلیل روابط، مؤلفه‌های درونی و برون‌دادهای کارکردی آنها، ماهیت اندیشه‌ای و تعامل آن با سیاست جهانی را بررسی نمایند.

مقاله مسعود نوری تل زالی و حشمت الله فلاحت پیشه (۱۳۹۶) با عنوان: «روند اسلام‌گرایی در ترکیه و آینده اسلام سیاسی» با هدف آینده‌پژوهی اسلام سیاسی در کشور ترکیه به روش کیفی و مصاحبه با خبرگان انجام شده است. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد پیشران‌های اسلام سیاسی در ترکیه شامل ۱۲ مورد به ترتیب: تضاد طبقاتی و زوال اقتصادی؛ بحران مشروعیت دولت؛ بحران فرهنگ و مدرنیزاسیون؛ ساختار مذهبی، قومی و رشد اسلام خواهی در جامعه؛ رشد و توسعه جامعه مدنی؛ بسط و تعمیق سکولاریسم در جامعه؛ متغیرهای بین‌المللی؛ تأثیر انقلاب اسلامی ایران؛ تحولات اجتماعی عوامل کلان و ساختاری؛ اوزالیسم و تضعیف کمالیسم افراطی؛ تحول‌های سیاسی و تغییر موازنه قوا؛ ظهور حزب عدالت و توسعه و پیشبرد دموکراسی هستند. نتایج پژوهش با توجه به مصاحبه کیفی و طیف پاسخ خبرگان، نشان می‌دهد که آینده اسلام سیاسی در ترکیه با توجه به وجود پیشران‌های گروه‌های اسلام‌گرا با قوت بیشتری در حاشیه چالش‌های قومی، لائیسزم با شرایط ثبات قومی

شکل خواهد گرفت. فرضیه پژوهش در سطح ۹۵ درصد اطمینان برابر ۵ درصد خطا، حد بالا مثبت و حد پایین منفی می‌باشد و میزان خطای مشاهده شده برابر (۰/۰۷۰) می‌باشد که بیشتر از مقدار ۰/۵۰ است. بنابراین فرضیه پژوهش، پذیرفته و تأیید می‌شود.

مهدی پیروزفر و غلامرضا خواجه‌سروی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان: «گفتمان‌های اسلامی در ترکیه نوین» شناسایی گفتمان‌های اسلامی در ترکیه نوین را در دستور کار قرار داده‌اند؛ چراکه از نظر نگارندگان ترکیه‌ای که در ظاهر و پس از حاکمیت سکولاریسم ترکیه نباید هویتی اسلامی در آن وجود داشته باشد ولی علی‌رغم آن، اسلام همچنان نقشی اساسی در تکوین هویت ترکیه دارد. در همین راستا سؤال اصلی تحقیق این است که گفتمان‌های اسلامی در ترکیه نوین کدامند و چه مؤلفه‌هایی دارند؟ فرضیه این تحقیق نیز این است که برخلاف ظاهر، سه گفتمان عمده اسلامی در ترکیه وجود دارند که دال مرکزی همگی آنها، اسلام با متفرعات سکولاریسم و دموکراسی است. در این تحقیق از روش تحلیل گفتمان و اشاره به دال‌های اصلی و شناور استفاده شده است. یافته‌های تحقیق اشاره دارد که تفاوت سه گفتمان عمده اسلامی در ترکیه را می‌توان در دال‌های مرکزی آن‌ها یعنی نوع نگاهشان به اسلام مشاهده کرد؛ گفتمان اسلام اجتماعی گولنی بر اسلام غیرسیاسی به عنوان دال مرکزی خود تأکید می‌کند، در مقابل گفتمان اسلام سیاسی اربکانی تنها دال مرکزی خود را اسلام سیاسی دانسته و بر حضور همه جانبه دین در اجتماع تأکید دارد. البته گفتمان اسلام سیاسی لیبرال نیز بر اسلام سیاسی تأکید می‌نماید ولی حاضر به قبول حضور همه جانبه دین در اجتماع نیست. همچنین از میان این سه گفتمان، گفتمان اسلام سیاسی اربکانی به دلیل نداشتن انسجام در منظومه گفتمانی خود و تأکید هم‌زمان بر اسلام سیاسی همه جانبه و سکولاریسم در نهایت محبوبیت خود را از دست می‌دهد؛ در حالی که دو گفتمان دیگر با مفصل‌بندی صحیح گفتمانی می‌توانند محبوبیت بالایی در ترکیه کسب نمایند.

آجرلو و محمودی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر ژئوپلیتیک ترکیه بر سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه» این مقاله تلاش دارد با تکیه بر روش تحلیلی توصیفی به این سؤال پاسخ دهد که ژئوپلیتیک ترکیه چه تأثیری بر سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه داشته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ژئوپلیتیک ترکیه بر جهت‌گیری و تدوین سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه در چارچوب عمق استراتژیک تأثیر گذاشته است.

عبدالله و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان: «انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران» تلاش می‌کنند مواضع سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال ایران را تحلیل و بررسی کنند. براین اساس پرسش این پژوهش عبارت است از اینکه انگاره‌های هویتی حزب عدالت و توسعه چه نقشی در سیاست خارجی این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای تأثیر انگاره‌های هویتی حزب عدالت و توسعه بر سیاست خارجی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران را تحلیل می‌کند. این مقاله از لحاظ هدف کاربردی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نوع خوانش حزب عدالت و توسعه از اسلام، نگاه دموکراتیک این حزب، تلاش رهبران آن برای دوری از تنش و عدم حرکت حزب عدالت و توسعه برای تشکیل حکومت اسلامی از جمله انگاره‌های هویتی است که بر سیاست خارجی این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است.

علیرضا حسینی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان: «فرایند بسیج سیاسی جنبش‌های اسلام‌گرایانه در ترکیه» به موضوع تحلیل و تبیین روند تفوق جنبش اسلامی در گفتمان سیاسی معاصر ترکیه پرداخته است. نگارندگان در این مقاله، ضمن واکاوی و مرور مختصر بر رهیافت‌های تبیین جنبش‌های اسلامی، روند رشد اسلام سیاسی در ترکیه را به طور اخص مورد توجه قرار می‌دهند. آنها معتقدند که برای درک زمینه‌های ظهور جنبش‌های اسلامی در ترکیه، در آغاز به تجربه عناصر برسازنده گفتمان رقیب آن، یعنی کمالیسم پرداخته شده، سپس سه دوره بسیج سیاسی برای جنبش‌های اسلامی ترکیه مورد بررسی قرار می‌دهند. نگارندگان در این مقاله به این نتیجه می‌رسند که؛ جنبش‌های اسلامی ترکیه در دوران مختلف تاریخ این جمهوری، با استفاده از فرصت‌های سیاسی موجود و آگاهی و شناخت از جامعه ترکیه، به گسترش شبکه‌های سازمانی و تدوین راهبردها و تاکتیک‌هایی برای مقابله با جریان سکولاریسم حاکم پرداخته‌اند.

چارچوب نظری: گفتمان اسلام سیاسی و واقع‌گرایی

با کنکاشی در تاریخ و مراجعه به آثار اندیشمندان برجسته اسلام سیاسی، سابقه اسلام سیاسی را برای اولین بار می‌توان در زندگی پیامبر اسلام و تشکیل حکومت اسلامی توسط ایشان در صدر اسلام یافت. هرچند از صدر اسلام تاکنون، اسلام سیاسی فراز و نشیب‌های فراوانی داشته؛

لیکن با توجه به تمرکز این نوشتار بر تحولات اسلام سیاسی در سده اخیر، می‌توان ادعا کرد که انحلال امپراطوری عثمانی در دهه ۱۹۲۰ نقطه عطفی در طرح دوباره اسلام سیاسی به صورت گسترده بوده است. (میبدی و ذالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۳) بنابراین می‌توان بیان داشت که اسلام سیاسی مفهومی است که در قرن معاصر و در مقابل قرائت سنتی از اسلام پدید آمده است. بر اساس این تفسیر و قرائت از اسلام، دین به عنوان یکی از عوامل اصلی و اساسی در متن سیاست و مسائل اجتماعی واقع می‌شود و نظم اجتماعی را با تمام ملزومات آن نظریه‌پردازی می‌کند. این پدیده اجتماعی و سیاسی در دنیای امروز تنها به حوزه اندیشه و فلسفه اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه در عمل نیز نظریه‌های مختلف اسلام سیاسی در جوامع مختلف و به طرق مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. از این رو اصطلاح اسلام سیاسی، اصطلاحی جدید است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است و به دنیای مدرن تعلق دارد (بهرزولک، ۱۳۸۶). براساس نظریه گفتمان، اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود (سعید؛ ۱۳۷۹: ۲۰). بابتی سعید معتقد است که مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. اسلام‌گرایی طیفی از رویدادها از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را در بر می‌گیرد (سعید؛ ۱۳۷۹: ۲۰). مانند: اسلام سیاسی رادیکال، معتدل و اسلام سیاسی فقاهتی...؛ با این حال گفتمان اسلام سیاسی توانسته است خود را به عنوان جایگزین مناسبی برای گفتمان‌های بحران‌زده و بی‌قرار در کشورهای اسلامی مطرح نماید و طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی را همراه خود نموده و قدرت سیاسی را به دست گیرد (ایزدی و اکبری، ۱۳۹۵: ۵۰).

اندیشمندان دلایل مختلفی برای ظهور اسلام سیاسی در جهان برشمرده‌اند از جمله: شکست‌ناخبانان غیر مذهبی سکولار (فواد عجمی)، فقدان مشارکت سیاسی (فواد عجمی)، تداوم اسکاچپول، بحران خرده بورژوازی (نیکو کدی، مایکل گیلسنان)، دلارهای نفتی و توسعه نابرابر (مایکل فیششر)، اثرات زوال فرهنگی (گیلسنن، فواد عجمی و مایکل فیششر) بابتی سعید این دلایل را رد می‌کند و در نقد آنها معتقد است که این دیدگاه‌ها، علی‌رغم تأکید بر وجود

مشکلات پنجگانه فوق در درون دنیای اسلام، نمی‌توانند توضیح دهند که چرا رویکرد و انتخاب مردم برای حل این معضلات، اسلام‌گرایی است و نه گفتمان‌های دیگری چون لیبرالیسم و یا سوسیالیسم. وی معتقد است که گرچه جمیع این روایت‌ها کمک می‌کنند تا توضیحات مفیدی از بحران فراهم شود، اما توضیحات قانع‌کننده‌ای مبنی بر این که چگونه بحران در نظم سیاسی، عامل ظهور اسلام‌گرایی می‌شود، ارائه نمی‌دهند. بابی سعید، کمالیسم و بحران در آن ریشه ظهور اسلام‌گرایی می‌داند. به نظر او ناتوانی کمالیسم در سرکوبی مخالفان موجب مطرح شدن اسلام‌گرایی به‌عنوان بدیلی به‌جای آن شد (سعید؛ ۱۳۷۹: ۲۶-۲۰).

هدف نهایی گفتمان اسلام سیاسی، بازسازی جامعه براساس اصول اسلامی است، و بدین ترتیب این گفتمان درست مقابل غیریت و تخاصم با همه گفتمان‌های مدرن و سنتی که اعتقادی به ادغام دین و سیاست ندارند، قرار می‌گیرد. اسلام سیاسی فقط مبارزه با تجددگرایی نیست (آنگونه که غربی‌ها تحلیل می‌کنند)؛ بلکه واکنشی به بی‌عدالتی‌ها، زورگویی‌ها و نابرابری‌هایی است که در جوامع اسلامی وجود دارد (میبدی و ذالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۴). اما در سال‌های اخیر مبحث اسلام سیاسی توجه محققین بسیاری را به خود جلب نموده است به‌گونه‌ای که موضوع بسیاری از تحقیقات در سرتاسر منطقه بوده است. یکی از مهم‌ترین عوامل این علاقه را می‌توان روند رو به رشد دموکراتیک شدن کشورها دانست. اسلام سیاسی یکی از دیدگاه‌هایی است که گوی سبقت را از دیگر دیدگاه‌ها ربوده است. اسلام سیاسی می‌کوشد که ابتدا حوزه سیاست را به دست بگیرد تا پس از آن به امر اجتماعی و فرهنگی وارد شود. در نهایت اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه، طرح جایگزین نظام حکومتی به سبک غربی را مطرح می‌نماید و تشکیل دولت طبق موازین اسلام را هدف خود می‌داند. از این رو عدم جدایی دین از سیاست و لزوم حضور دین در عرصه سیاست را مورد تأکید قرار می‌دهد و در جهت اجرایی نمودن مطلوبیت‌های مورد نظر خود، حالت سکون، محافظه‌کار و تدافعی ندارد (نوری تل زالی و فلاح‌پیشه، ۱۳۹۶: ۲۶).

اسلام سیاسی به‌عنوان پارادایمی مهم در حوزه سیاست و امنیت

هدف نهایی گفتمان اسلام سیاسی، بازسازی جامعه براساس اصول اسلامی است و بدین ترتیب این گفتمان درست مقابل غیریت و تخاصم با همه گفتمان‌های مدرن و سنتی که اعتقادی به ادغام دین و سیاست ندارند، قرار می‌گیرد. اسلام سیاسی فقط مبارزه با تجددگرایی نیست

(آن گونه که غربی ها تحلیل می کنند)؛ بلکه واکنشی به بی عدالتی ها، زورگویی ها و نابرابری هایی است که در جوامع اسلامی وجود دارد. در جمع بندی دیدگاه های مختلف درباره تعریف اسلام سیاسی می توان گفت، اسلام سیاسی به معنای اسلام عدالت خواه، توسعه گرا، دنیاگرا، اقتدارگرا، تمدن ساز، واقع گرا، زندگی، انقلاب و اصلاح، علم و عقل و پیشرفت و مبارزه با سلطه، نظام ساز و عمل گرا است. با توجه به موارد پیشین، واضح و روشن است که نقش و جایگاه پارادایم اسلام سیاسی را نمی توان در سیاست و امنیت جهانی نادیده انگاشت. فارغ از سازنده یا غیرسازنده بودن نقش اسلام سیاسی، این پارادایم در جهان امروز قدرت بازیگری قابل توجهی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد (هزاوه ای، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۰). در مورد پیدایش اسلام سیاسی نظرات مختلفی مطرح شده است؛ دپا کومار اسلام سیاسی را محصول تلاقی تحولات سیاسی و اقتصادی زیر بر می شمارد:

۱) دخالت های قدرت های امپریالیستی و تداوم سلطه آنها، به ویژه ایالات متحده آمریکا نقش مهم و تعیین کننده ای در گسترش و ترویج گروه های اسلامی به عنوان واکنشی در برابر ناسیونالیسم سکولار و چپ داشت. سلطه و دخالت قدرت های بزرگ و امپریالیستی حتی پس از دوره استعمارگری و اشغال سرزمین های اسلامی توسط قدرت های اروپایی در شکل سردمداران مطیع و دست نشانده ادامه داشته است.

۲) مشکلات داخلی کشورهای اسلامی و شکست اندیشه های ناسیونالیستی سکولار و همچنین اندیشه های استالینیستی که یک خلأ سیاسی را ایجاد کرده و سبب گسترش نارضایتی ها در میان اقشار مختلف جامعه شده است.

۳) توسعه بحران های اقتصادی در کشورهای مختلف که روش های سرمایه داری توسعه ملی قادر به حل آنها نبودند. در نتیجه، در واکنش به این امر، اسلام گرایان تلاش کردند تا راه حل اسلامی را ارائه نمایند (Kumar, 2011).

علاوه بر دیدگاه های فوق، نظریات و اندیشه های دیگری نیز درباره رشد و اسلام خواهی و گسترش اسلام سیاسی مطرح شده اند که از آن جمله می توان به سه نظریه دفاع فرهنگی، احیای هویت از دست رفته و فقر و نبود خدمات اجتماعی اشاره کرد. نظریه دفاع فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که مردم اصولاً تمایل به تقویت ارزش های سنتی خود دارند، به ویژه زمانی که احساس کنند ارزش ها و فرهنگ آنها و به خصوص سیستم ارزش های اخلاقی آنها مورد تهاجم قرار گرفته

است؛ امروزه جامعه مسلمانان جهان معتقدند که در محاصره «جنگ علیه ترور» و اشغال اسرائیل قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، مسلمانان فراموش نمی‌کنند که از دهه ۱۹۲۰ به بعد و پس از افول امپراطوری عثمانی، اسلام توسط برنامه‌های مدرنیزاسیون دولت‌ها که توسط نخبگان سکولار هدایت می‌شدند، مورد حمله قرار گرفت. در پاسخ به تهدیدهای گوناگون علیه ارزش‌ها و باورهای سنتی، مردم متعهد به تقویت دین خود شده و بدین گونه اسلامی سیاسی گسترش یافته است.

نظریه احیای هویت نیز به این امر اشاره دارد که شکست برنامه‌های مدرنیزاسیون سکولار برای پاسخگویی به انتظارات مردم، ناکامی اصلاحات آتاتورک در ترکیه، انقلاب سفید شاه در ایران، سوسیالیسم عربی حزب بعث سوریه و آزادسازی اقتصادی سادات در مصر؛ همگی موجب غیرجذاب شدن هر دو ایدئولوژی لیبرالیسم و سوسیالیسم برای مسلمانان و جوامع اسلامی و تمایل این جوامع به بازگشت به هویت اسلامی خویش گردید. نظریه فقر و نبود خدمات اجتماعی نیز به نوعی به کاستی ایدئولوژی حاکم (لیبرالیسم و سوسیالیسم) در مدیریت اقتصادی جامعه و در نتیجه، تحمیل آسیب‌های حاصل از این کوتاهی بر جوامع مسلمان اشاره دارد (پوراحمدی میبیدی و عباس ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۱۴).

رویکرد واقع‌گرایی

رویکرد رئالیستی نگاهی مادی و واقع‌گرایانه به نظام بین‌الملل دارد. براساس رویکرد واقع‌گرایی دولت‌ها مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگران در نظام بین‌الملل تلقی می‌شوند و مرجع امنیت دولت‌ها به شمار می‌روند. مورگنتا یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرا به شمار می‌رود؛ مهم‌ترین مفروضه‌های مورگنتا به سرشت روابط بین‌الملل مربوط می‌شود. مورگنتا نیز مانند همه واقع‌گرایان بر این باور است که نظام بین‌الملل آنارشیک است، یعنی فاقد مرجع اقتدار مرکزی است و این وجه تمایز آن با جامعه داخلی است. مورگنتا بیش از آن که بر نبود حکومت یا نبود قواعد در عرصه بین‌المللی تأکید کند، بر نبود اقتدار تأکید دارد. در این شرایط آنارشیک است که توسل به زور میان دولت‌ها مشروعیت می‌یابد و جنگ به یک خصوصیت مهم نظام بین‌الملل بدل می‌شود. البته مورگنتا قائل به وجود وضعیت طبیعی مطلق در صحنه جهانی نیست، بلکه نوعی وضعیت طبیعی تعدیل شده دیده می‌شود و ما شاهد «جنگ همه علیه همه» در سیاست بین‌الملل نیستیم (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۹۷).

از نظر واقع‌گرایان، قدرت نظامی مهم‌ترین جنبه قدرت دولت‌ها به‌شمار می‌رود. دولت‌ها تلاش می‌کنند با افزایش دائمی قدرت نظامی خود و تأکید بر اصل خودیاری، امنیت و تداوم بقای خود را تضمین نمایند. بنابراین، قدرتمندترین بازیگران دولت‌هایی هستند که از نظر نظامی توانمندتر از دیگران هستند. نگاه واقع‌گرایان در حوزه‌های مربوط به روابط بین‌الملل و نتایج حاصل از آن تنها با شناخت مفروضات آن قابل درک است.

نظریه واقع‌گرایی از جمله پارادایم‌های مطرح در روابط بین‌الملل است که در فرآیند تحلیل و تبیین تحولات نظام بین‌الملل دچار مناظره‌های میان پارادایمی گردیده و ثمره آن ظهور خرده نظریه‌های متعددی از درون این نظریه کلان بوده است. مهم‌ترین این رویکردها عبارتند از: رئالیسم کلاسیک هانس جی مورگنتا، نئورئالیسم (رئالیسم ساختاری) کنت والتز، رئالیسم نئوکلاسیک گیدئون رز و هم‌چنین رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی که این دو از درون نئولبرالیسم متولد شدند. نئورئالیست‌ها هدف از کسب قدرت را به دست آوردن امنیت می‌دانند و بیشتر توجه‌شان به قدرت اقتصادی است. از نظر نئورئالیسم، قدرت یک کارکرد سیستمی دارد و براساس توزیع آن، ساختار بین‌المللی شکل می‌گیرد. نئورئالیست‌ها نظام بین‌الملل را یک نظام آنارشیک می‌دانند، البته نه هرج و مرج طلب، ولی دارای مفهومی کانونی و آن را از ویژگی‌های ساختار بین‌الملل می‌دانند. نئورئالیست‌ها به دنبال حفظ موقعیت خود و ارتقای آن در نظام بین‌الملل هستند و هدفشان کسب بهترین جایگاه در سلسله مراتب قدرت در روابط بین‌الملل است (Waltz, 1979: 144-45).

با تکیه به نظریه نوواقع‌گرایی می‌توان سیاست خارجی ترکیه را در سال‌های اخیر، به‌خصوص پس از آغاز بحران سوریه، تبیین نمود. در جهان امروز برای افزایش قدرت، توان اقتصادی و نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به سیاست‌ها و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه در جهت رشد و توسعه اقتصادی و بهره‌گیری از این پشتوانه اقتصادی در راستای گسترش نفوذ منطقه‌ای ترکیه، می‌توان از نظریه واقع‌گرایی در تبیین سیاست خارجی ترکیه و تأثیر آن بر معادلات امنیتی منطقه استفاده نمود.

اسلام سیاسی در ترکیه

قرانت‌های متفاوتی از آغاز ظهور اسلام در طول تاریخ ارائه شده است و اسلام سیاسی^۱ یکی از این قرانت‌های متفاوت و گاه متضاد است. علمای میانه‌رو و مسلمانان، به علت پیامدهای فردی و اجتماعی منفی برخی از این قرانت‌ها، آنها را افراطی قلمداد می‌کنند. اسلام سیاسی پیشینه تاریخی بسیار طولانی دارد و حزب عدالت و توسعه^۲ در ترکیه یکی از نمودهای آن در قرن بیست و یکم است. از جریان‌های نزدیک به حزب عدالت توسعه در ترکیه می‌توان به فتح‌الله گولن و طرفداران وی اشاره کرد که بر گرایش‌های اسلامی و سیاسی حزب عدالت و توسعه تأثیرگذار بوده است؛ این دو جریان در سال ۲۰۱۳ از یکدیگر جدا شدند و به علت دو قطبی شدن فضای سیاسی و دشمنی‌های این دو جریان اسلام‌گرا، تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه و همچنین سیاست دولت ترکیه بر جای گذاشته است. اما آنچه در این زمینه حائز اهمیت است این است که اسلام سیاسی در ترکیه بنابر زمینه‌های تاریخی خود، ویژگی‌هایی دارد که آن را دارای روحیه تساهل و مستعد نکتزگرایی می‌سازد. در این نوع اسلام، نهاد رسمی و انحصاری برای تفسیر دین و قرآن و سنت وجود ندارد. علت این امر را می‌توان در سه زمینه دنبال کرد: اول، وجود سنت نکتزگرایی به ارث رسیده از امپراتوری عثمانی؛ دوم، نوع خاص اسلام عرفانی و صوفیانه با تأکید بر باطن و محتوای دین و سوم، گروه‌ها و طریقت‌های متعدد صوفی که در جامعه ترکیه وجود دارند و از تسلط گروه مذهبی خاص جلوگیری می‌کنند (موثقی و اعتمادی فر، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

این کشور از لحاظ جغرافیائی در منطقه‌ای قرار گرفته که متأثر از فرهنگ‌های ایرانی، اروپایی و اسلامی بوده و بر آنها نیز تأثیراتی گذاشته است. در واقع با نگرشی به تاریخ می‌توان اذعان نمود که در طول زمان، اسلام و ترکیه به نوعی از یکدیگر متأثر بوده‌اند. در قرون گذشته قرارگرفتن این کشور در مسیر جاده ابریشم نیز باعث تعاملات اقتصادی و فرهنگی بسیاری با کشورهای چین، هند، ایران و اروپا گردید. از سوی دیگر همسایگی با اروپا و تمدن‌های اروپایی نظیر یونان، روم و سپس بیزانس بر نوع و شکل‌گیری تفکرات فرهنگی این جامعه بی‌تأثیر نبوده است (مفیدی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۱).

حزب عدالت و توسعه از دیرباز از ملی‌گرایی برای به دست آوردن وفاداران و به حداقل

1. Political Islam
2. Justice and Development Party (the AKP)

رساندن تهدیدها به ویژه در هنگام مواجهه با جنبش گولن استفاده کرده و سیاست‌های ملی‌گرایانه همچون اقدام علیه ادعاهای قبرس بر میدان‌های گاز طبیعی در خاور میانه و عملیات علیه شبه نظامیان کُرد در جنوب شرقی ترکیه، سوریه و عراق را برای به دست آوردن رأی‌های راست افراطی به اجرا گذاشته است. این حزب همچنین از مذهب به عنوان ابزاری برای به دست آوردن حمایت استفاده و اندیشه‌های اسلام سنی را به برنامه‌های درسی مدارس تزریق کرده و مساجدی در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا ساخته است. اما برای آنهایی که عمدتاً شیوه شخصی اردوغان در رهبری سیاسی و اقتصادی را زیر سوال می‌برند، چنین اقداماتی از سوی حزب عدالت و توسعه چندان تأثیرگذار نیستند (تسلیمی، ۱۳۹۸).

چگونگی شکل‌گیری اسلام سیاسی در ترکیه با تأکید بر حزب عدالت و توسعه

پس از بمب‌گذاری‌های فاجعه‌آمیز استانبول در نوامبر ۲۰۰۳، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه، حلمی اوزکوک، بیان کرد که «دین و سیاست دو عنصر خطرناک هستند که نباید با یکدیگر آمیخته شوند.» پیروزی حزب عدالت و توسعه (با ریشه‌های اسلامی آن) در انتخابات ۲۰۰۲ توجه جهانیان را به سمت ترکیه سوق داد، زیرا ترکیه به عنوان نمونه آزمایشی برای همزیستی دموکراسی و اسلام به شمار می‌رفت. ترکیه که سال‌های متمادی با دولت‌های ائتلافی متزلزل اداره می‌شد، ظهور یک حزب بدون رقیب موجی از خوش‌بینی‌ها را برای این کشور به ارمغان آورد. از طرفی نیز پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه، نگرانی‌هایی مبنی بر این امر شکل گرفت که ظهور یک حزب با ریشه‌های اسلامی مانع از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا خواهد شد. ترکیه تا پیش از ظهور حزب عدالت و توسعه اهمیت بسیاری به مبانی جمهوری سکولار قائل می‌شد (Tank, 2005: 3).

با این وجود، در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم که ترکیه ارتباط خود با مفاهیم مرتبط با جمهوری سکولار را که دهه‌ها در این کشور نهادینه شده بود، قطع کرده است. مقامات ترکیه ضمن بهره‌گیری از عنوان ارتش محمد (ص) برای نیروهای نظامی آن کشور، استقرار ارتش خود در سوریه را تحت عناوینی همچون «جهاد» توصیف می‌کنند. در دو روز نخست عملیات ترکیه در سوریه، اداره امور دینی این کشور به تمامی مساجد ترکیه دستور داد که از بلندگوهای مناره‌های این مساجد سوره «الفتح» (دعای پیروزی) را پخش کنند.

علی‌رغم اینکه نظام سکولار در ترکیه همچنان باقی مانده است، پژوهش‌ها، نظرسنجی‌ها و تحولات اخیر در ترکیه نشانگر تغییرات اساسی در این کشور است. در سال‌های اخیر، دولت رجب طیب اردوغان، آزادی‌های فردی را محدود کرده و نیز کسانی را که به اسلام اهانت می‌کنند یا تعالیم اسلامی را ناپدید می‌گیرند، مجازات می‌کند. از نوامبر ۲۰۱۷، پلیس ملی ترکیه نیز بر اظهار نظرهای صورت گرفته در باب دین و مذهب در فضای مجازی نظارت شدیدی اعمال می‌کند (Cagaptay, 2018: 2-6).

شبکه تلویزیونی دولتی ترکیه، تی آر تی، کسانی را که به تعالیم اسلامی پایبند نیستند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. در ژوئن ۲۰۱۶، مصطفی آسکار، دین‌شناس معروف، در یک برنامه زنده تلویزیونی اعلام کرد «کسانی که به شیوه‌های اسلامی عبادت نمی‌کنند، حیوان هستند.» (Cagaptay, 2018: 2-6).

آموزش رکن اساسی تلاش‌های اردوغان جهت گسترش قوانین اسلامی در جامعه به شمار می‌آید. آموزش و پرورش ترکیه، همانند پلیس آن، تحت کنترل دولت مرکزی است و وزارت آموزش و پرورش شهروندان را مجبور به پذیرش تعالیم اسلامی محافظه کارانه در مدارس دولتی می‌کند. دولت به طور رسمی از طریق مجبور کردن تمامی مدارس تازه ساخت جهت ایجاد نمازخانه در مدارس، تعالیم اسلامی را وارد نظام آموزش دولتی می‌کند. به عنوان مثال، اخیراً یک مقام آموزشی در استانبول از معلمان خواسته است که دانش‌آموزان را جهت شرکت در نماز صبح به مساجد محلی ببرند. تقویت اداره امور دینی در ترکیه معروف به اداره «دیانت» نمونه آشکاری برای نشان دادن تلاش‌های اردوغان به منظور آمیختن تعالیم اسلامی با قدرت سیاسی خود است. اداره دیانت با کسب اختیارات اضافی و قدرت سیاسی، به صدور دستوراتی جهت معرفی مولفه‌های قانون شریعت به جامعه ترکیه مشغول است. اخیراً رئیس این اداره در وبسایت خود فتوایی صادر کرده است که طبق آن دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۲ سال می‌توانند ازدواج کنند، چراکه براساس قوانین اسلامی، بزرگسالی از همان دوران کودکی آغاز می‌شود. البته اداره دیانت به دلیل اعتراضات گسترده، این فتوا را لغو کرد (Cagaptay, 2018: 3-7).

چشم‌انداز تأثیر اسلام سیاسی بر تحولات امنیتی ایران و ترکیه در خاورمیانه

تلاش‌های حزب عدالت و توسعه برای توسعه روابط ترکیه با منطقه خاورمیانه سبب بهبود روابط

این کشور با جمهوری اسلامی ایران شده است. با این وجود، بهبود روابط میان ترکیه و ایران با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بر اساس نگرانی‌های مشترک دو کشور پیرامون مسئله حساس اقلیت کرد در ایران و ترکیه و همچنین منافع مشترک اقتصادی شکل گرفت و عواملی مانند قربات‌های دینی و ایدئولوژیک کم‌تر در این امر مؤثر بوده است. علی‌رغم شعارهایی که در ارتباط با وحدت جهان اسلام و منافع سیاسی مشترک توسط دو کشور مورد تأکید قرار می‌گیرد، تفاوت‌های اساسی استراتژیک و ایدئولوژیک میان ایران و ترکیه از گسترش بیش از پیش روابط و پیوندهای دو کشور جلوگیری کرده است.

توسل ترکیه به اسلام‌گرایی در سیاست خارجی به همراه کاهش وابستگی به ایالات متحده امریکا و در پیش گرفتن سیاست‌های مستقل در منطقه خاورمیانه در قالب گسترش اتحاد سیاسی و اقتصادی در منطقه، سیاست خارجی این کشور را از سال ۲۰۰۵ بدین سو با تغییر و تحولات بسیاری مواجه کرده است. عملکرد حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، قدرت ارتش ترکیه را کاهش داده که از طرفداران و متحدان غرب در این کشور به شمار می‌رفت؛ همچنین تغییر استراتژی امنیت ملی ترکیه با انتصاب احمد داووداوغلو به سمت وزیر امور خارجه در سال ۲۰۰۹ و پیگیری سیاست «تنش صفر»^۱ از جمله تحولاتی هستند که سبب افزایش توجه ترکیه به منطقه خاورمیانه شده است. (Yarmohammadian, Omidi and Ebrahimi 2017: 20).

برای ناظران خاورمیانه واضح و روشن است که ترکیه حضور و نفوذ خود را در عراق افزایش داده است و روابط خود با سنی‌ها و کردهای این کشور را بهبود بخشیده است. ترکیه بعد از سقوط صدام با رد کردن نتایج انتخابات و تأکید بر ایجاد دولت وحدت ملی سعی داشت از شکل‌گیری یک دولت تماماً شیعی در عراق به رهبری ایران جلوگیری نماید. با این وجود، در سال ۲۰۰۸، پس از تشکیل اولین دولت در عراق پس از سقوط صدام، به رهبری نوری مالکی، روابط دو کشور گسترش یافت؛ تأسیس شورای عالی برای همکاری‌های راهبردی، توسعه روابط دو جانبه تجاری و گسترش مذاکرات سیاسی میان دو کشور از جمله موارد گسترش همکاری و افزایش نفوذ ترکیه در عراق به شمار می‌رود. اما در جریان انتخابات سال ۲۰۱۰ در عراق مشکلاتی در روابط میان ترکیه و عراق بوجود آمد؛ در این انتخابات که ایران از نوری مالکی و

1. zero problems

ترکیه از عیاد علوی حمایت می‌کرد، نوری مالکی برای دومین بار برنده انتخابات شد و خشم مقامات ترکیه را برانگیخت. علاوه بر این، این تحولات سبب ایجاد تغییر و تنش در روابط ایران و ترکیه شد؛ برخی از کارشناسان دخالت ترکیه در بحران سوریه (در مراحل اولیه) را واکنشی در برابر تحولات عراق و شکست ترکیه در انتخابات عراق ارزیابی کرده‌اند. البته در ادامه تحولات جنگ داخلی سوریه، ترکیه سعی کرد با نزدیکی به ایران و روسیه منافع خود را در سوریه تأمین نماید. با این وجود برخی از کارشناسان، این نزدیکی را تاکتیکی ارزیابی کرده و این همکاری‌ها از عمق راهبردی برخوردار نیست. تفاوت‌های اساسی میان ایران و ترکیه در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه قابل مشاهده است. ترکیه حول محور استراتژی «خاورمیانه جدید» و منافع خود در ارتباط با این استراتژی در طول دهه گذشته تقویت شده است. به همین دلیل ترکیه از یک استراتژی واحد در منطقه پیروی نمی‌کند و با توجه به تحولات منطقه استراتژی مبتنی بر منافع خود را پیگیری می‌کند. در مقابل، ایران از یک استراتژی مشخص در منطقه خاورمیانه پیروی می‌کند که از ابتدای انقلاب اسلامی در این کشور تقریباً با کمترین نوسان و تغییر مواجه بوده است. بنابراین، تحولات و تفاسیر جدید از قدرت و نفوذ در خاورمیانه و بخصوص در «هلال حاصل خیز»^۱، که به عنوان خارج نزدیک برای دو کشور ایران و ترکیه محسوب می‌شود، روابط میان دو کشور را با پیچیدگی‌های بسیاری همراه کرده است. بنابراین، تحولات اخیر در منطقه و تأکید ترکیه بر اسلام سیاسی با تأکید بر گروه‌ها و کشورهای سنی، در آینده به افزایش رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و ترکیه خواهد انجامید (Ibid, pp. 20-21).

ترکیه با حمایت از دو جریان اخوانی معتدل و تندرو (داعش و غیره)، در گام اول خود را در برابر ایران قرار داده که حامی جریانات انقلابی محور مقاومت و شیعیان است و در گام بعدی در برابر عربستان سعودی به عنوان رهبر جریان سلفی وهابی قرار گرفته است. جریانات اخوانی بویژه جریانات تندرو التقاطی آن مانند داعش، بر خلاف سلفی‌های وهابی خواهان نابودی حکومت ملکی سعودی و ایجاد خلافت اسلامی هستند و این به معنای احساس واهمه عربستان از جانب جریانات مورد حمایت ترکیه است.

در نهایت باید گفت، در جریان بحران‌های سال ۲۰۱۱ تاکنون در جهان اسلام، ترکیه وارد

یک رقابت فشرده و سریع با بازیگران مختلف شده است که لیستی از تقابل‌های این بازیگر متحول شده را از جمله تقابل با روسیه، ایران، گاهی غرب و گاهی نیز عربستان سعودی و غیره را در مقابل چشمان آن قرار داده است. این امر سبب آسیب‌پذیری اقتصادی، سیاسی و امنیتی ترکیه از سوی منطقه خاورمیانه و اوراسیا شده و ترکیه را به یک بازیگر بدون متحد در قاره آسیای غربی و مرکزی تبدیل نموده است که نه تنها فرصت‌های چندانی برای این کشور فراهم ننموده بلکه فرصت‌های گذشته این کشور را نیز با مخاطره مواجه نموده است.

امروزه روسیه به ترکیه به چشم یک بازیگر با پتانسیل خطا و تهدیدگر خود می‌نگرد. ایران ترکیه را بازیگری بی‌ثبات در رفتار خارجی خود و حتی در قبال مسائل حیاتی مانند کردها می‌داند و ایران را به اندیشیدن در مورد گزینه‌های جایگزین ترکیه برای تأمین امنیت منطقه‌ای خود وادار می‌سازد. ارتباط ترکیه با عربستان در میان‌مدت و بلندمدت نه تنها باعث ایجاد فرصت نمی‌شود بلکه ترکیه را در نگاه آل‌سعود همچون اخوان‌المسلمین بازیگری با تهدیدات بیشتر از فرصت‌هایش جلوه خواهد داد. همچنین کشورهای غربی نیز به رغم خشنودی از تقابل ایجاد شده بین ترکیه، ایران و عربستان در کوتاه، میان و بلندمدت، این کشور را بازیگری با پتانسیل بالا برای تهدید منافع غرب نیز قلمداد می‌کنند که این مسئله تهدیداتی را برای ترکیه به همراه خواهد داشت. بنابراین دولت ترکیه در بازتعریف هویتی و رفتاری خود نه تنها فرصت‌های جدیدی را برای خود ایجاد نموده بلکه به بازیگری با ریسک بالا برای همسایگان، جامعه منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است.

در طی سال‌های اخیر، رویکردی که در دکترین خارجی ترکیه به عنوان سیاست به صفر رساندن تنش با همسایگان مطرح بود، در ذیل یک تئوری بزرگتری به نام نوع‌ثمانی‌گرایی گنجانده شده است. در برهه‌ای از زمان که منطقه خاورمیانه آرام بود و هنوز دچار تحولات انقلابی و همچنین تشدید فعالیت گروه‌های تروریستی نشده بود، عملاً سیاست نوع‌ثمانی‌گرایی ترکیه از طریق به صفر رساندن تنش با همسایگان پیگیری می‌شد. اما بعد از شروع تحولات منطقه خاورمیانه، سیاست خارجی آنکارا نیز در راستای دستیابی به اهداف نوع‌ثمانی‌گرایی خود دچار تحولاتی شد و از آن زمان به بعد، مداخله آنکارا در امور داخلی همسایگانش تشدید شد. این مسئله باعث شد نه تنها روابط ترکیه با دو کشور سوریه و عراق، دچار تنش شود بلکه سیاست خارجی این کشور با سایر کشورهای منطقه نظیر ایران هم دچار برخی اختلافات شد.

اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر مسائل امنیتی در منطقه غرب آسیا و آسیای صغیر پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳، نقش اسلام سیاسی و نوع‌گمانی‌گری در سیاست خارجی این کشور افزایش یافت. براساس اندیشه نوع‌گمانی‌گری، حضور ترکیه در مناطق تحت سیطره امپراطوری عثمانی قابل توجه خواهد بود؛ این اندیشه هم‌چنین احیای فرهنگ و سنت‌های دوره عثمانی را از مهم‌ترین اهداف خود قلمداد می‌کند. در سال‌های اخیر، اندیشه نوع‌گمانی‌گری نقش مهمی در سیاست‌های حزب عدالت و توسعه، به رهبری رجب طیب اردوغان و هم‌چنین سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا داشته است (Bellou Oli, 15). سیاست‌گذاری‌های حزب عدالت و توسعه ترکیه از یک جایگاه استراتژیک در منطقه غرب آسیا و آسیای صغیر برخوردار است. به باور متفکران این حزب، به‌ویژه احمد داووداوغلو، ترکیه به علت موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود دارای یک عمق استراتژیک در منطقه است. براساس این رویکرد، ترکیه باید در معادلات منطقه‌ای و جهانی نقش فعالی را ایفا نماید. مناطقی نظیر خاورمیانه، بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی از جمله مناطقی هستند که ترکیه در آنها باید نقش فعالی ایفا کند. هم‌چنین واضعان این رویکرد بر این باورند که ترکیه باید به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با دیگر قدرت‌های حاضر در منطقه (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) تعامل داشته باشد و میان آنها تعادل برقرار نماید. همکاری و مذاکره هم‌زمان ترکیه با ایران و روسیه و از یک سو و همکاری با ایالات متحده در خصوص سوریه و هم‌چنین حمایت از ارتش آزاد سوریه از سوی دیگر یکی از نمونه‌های این رویکرد در صحنه عمل قلمداد می‌شود. هم‌چنین در سال‌های اخیر، به‌خصوص پس از آغاز بهار عربی در برخی از کشورهای منطقه، نقش فعالی در سوریه، قطر و آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، در ابعاد نظامی، سیاسی و امنیتی، ایفا کرده است.

هم‌چنین از نمودهای قدرت‌گیری اسلام سیاسی در سیاست خارجی ترکیه می‌توان به افزایش حمایت این کشور از جنبش اخوان‌المسلمین در مصر و دیگر کشورهای منطقه اشاره کرد. برخی از کارشناسان بر این باورند که این نوع سیاست‌ها نوعی بازگشت به سنت‌ها و ارزش‌های دوران امپراطوری عثمانی است. به عبارت دیگر، این گروه معتقدند که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه سیاست خارجی این کشور از گفتمان لیبرال دموکراسی سکولار به گفتمان مذهبی و تأکید بر اسلام سیاسی در منطقه تغییر یافت (KARAAHMETOĞ- MAHMUT, 2016). به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که اردوغان نوعی سیاست فرقه‌گرایانه با تأکید

بر مسلمانان سنی مذهب در پیش گرفته است که می‌تواند در آینده به گسترش تنش با ایران به عنوان مهم‌ترین کشور شیعه در منطقه منجر شود و به عنوان مهم‌ترین رقیب ایران در رقابت‌های منطقه‌ای جایگزین عربستان سعودی شود.

در راهبرد سیاست خارجی ترکیه، منطقه‌گرایی از اهرم‌های مهم ترکیه در ایجاد تعادل با قدرت‌های بزرگ، آمریکا و اتحادیه اروپا و استفاده از ظرفیت‌های هویت ژئوپلیتیک این کشور در جهت افزایش بازیگری منطقه‌ای و جهانی این کشور می‌باشد.

سیاست‌های اصلاحی اردوغان حتی باعث شد تا حدودی اعتماد نظامیان هم جلب شود و از شدت خصومت آنها نسبت به اسلام‌گرایان کاسته شود. ترکیه طی دهه اخیر به دلیل اهمیت منافع ملی در سیاست خارجی تلاش نموده نقش فعال‌تری در منطقه بازی کند. براین اساس سران حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه به طور شگفت‌انگیزی اعلام کردند که ترکیه در تمام تحولات منطقه تأثیرگذار می‌باشد (تاجیک، سعادت، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۷). این حزب، امنیت منطقه غرب آسیا را امنیت ترکیه قلمداد کرده و در مسائل مهم منطقه اتخاذ سیاستی فعال و پیش‌گیرانه را یک ضرورت اساسی قلمداد کرده است. دولت ترکیه در این دوره براساس شاخص‌ها و اهدافی همچون حفظ و افزایش منافع اقتصادی، مدل‌سازی از سیستم سیاسی اش در منطقه و هماهنگی با این دو تدبیر شکل دادن به همگرایی و اتحاد سیاست‌گسترده منطقه‌ای با محوریت خود و با هدف نهایی تبدیل شدن به هژمونی منطقه مذکور و ساخت منطقه‌ای نوین به اتخاذ سیاست‌های عملی در رابطه با این مسأله مبادرت نمود. راهبرد ترکیه برای سال‌های ۲۰۲۳ م این است که در خرده سیستم‌های منطقه‌ای به عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به عنوان بازیگر شاخص شناخته شود. این موضوع در قالب چشم‌انداز تأثیر اسلام سیاسی در ترکیه بر روند تحولات امنیتی منطقه به سه عامل ایران، موازنه قدرت و تعارضات موجود در سیاست خارجی ترکیه بستگی دارد.

اسلام سیاسی در ترکیه و نحوه مواجهه با بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در منطقه و تفاوت برخورد ترکیه با این خیزش‌های مردمی و اسلامی با حوادث سوریه، صحنه‌ای آشکار از تناقض سیاست خارجی ترکیه با شعارهای این کشور مبنی بر عمل براساس اصول اسلام سیاسی بوده است. با شروع موج بیداری اسلامی در کشورهای غرب آسیا

و شمال آفریقا، ترکیه سعی نمود در این موج مشارکت کرده و بر اساس منافع خود، جهت‌گیری خاصی را اتخاذ نماید. اما این کشور در ابتدا برای موضع‌گیری در خصوص این تحولات از آمادگی کافی برخوردار نبود و به همین دلیل، در اتخاذ رویکرد خود در قبال این تحولات، با تناقضاتی روبرو بوده است. با این حال، ترکیه تلاش کرده با استفاده از فرصت‌های موجود و افزایش تأثیرگذاری در تحولات منطقه‌ای به حفظ منافعش در زمینه‌های مختلف بپردازد. آغاز مداخلات ترکیه در سوریه و تلاش مستقیم و غیرمستقیم برای سرنگونی دولت قانونی آن کشور علاوه بر اینکه موجب شعله‌ور شدن جنگ در فراسوی مرزهای ترکیه شد، زمینه تقابل این کشور با سوریه و تشدید اختلاف با ایران را نیز فراهم آورد.

ترکیه در خصوص موج اعتراضات مخالفین دولت سوریه، ابتدا آن را مسئله داخلی دمشق تلقی و دولت بشار اسد را دارای پشتوانه مردمی اعلام کرد. با اوج‌گیری شورش‌ها در سوریه، مواضع رسمی آنکارا نسبت به سوریه حالت انتقادی به خود گرفت؛ دولت ترکیه در ابتدا سعی داشت از موضع همسایه‌ای قدرتمند به نصیحت کردن سوریه بپردازد، ولی گویا از ساختار قدرت در درون کشور همسایه‌اش به اندازه کافی اطلاعات نداشت. هرچند سوریه واکنش تندی علیه ترکیه نشان نداده و به باور محافل سیاسی ترکیه، بشار اسد نزاکت سیاسی خود را از دست نداده است، اما گلایه و شکوه سوریه از اقدامات همسایه‌اش قابل کتمان نیست. حوادث سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ در مصر و سوریه، سبب تقویت همکاری‌های ترکیه با جریان اخوانی در لیبی شد. اخوان المسلمین لیبی در این دوران در کنار آنکارا، سعی در تضعیف دولت بشار اسد در سوریه داشت. این ارتباطات از آن زمان تاکنون همچنان پابرجاست و ترکیه سیاست حمایت از جریان‌ات معارض اخوانی در کشورهای عربی را متوقف نکرده است. در واقع ترکیه شبکه‌ای از اسلام‌گرایان اخوانی را در کشورهای عربی مانند لیبی در خدمت پیشبرد منافع ژئوپلیتیک خود قرار داده است. با این حال اخوان المسلمین در لیبی از محبوبیت چندانی برخوردار نبود و این جنگ ناتو علیه قذافی بود که سبب شد بخشی از جریان اخوان در لیبی به قدرت برسند. این موضوع در کنار روابط عمیق تاریخی ترکیه با غرب لیبی، انگیزه ترکیه برای حضور در صحنه لیبی را تقویت کرد.

نقش ایران در آینده اسلام سیاسی در ترکیه و تاثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه

اختلاف بین ایران و ترکیه بیشتر در زمینه ایجاد ساختارهای جدید و ماهیت نظام‌های سیاسی آینده کشورهای منطقه است. اوج تفاوت و اختلاف در راهبرد دو کشور را می‌توان در سوریه مشاهده نمود. به طور کلی می‌توان گفت که سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای است که رویکرد ترکیه در آن، در تضاد با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. ایران شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه غرب آسیا را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می‌شود، از مهم‌ترین دستاوردها و حتی مهم‌ترین دستاورد خود در عرصه سیاست منطقه‌ای می‌داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بازیگری و نقش گسترده‌تر ایران در عرصه منطقه‌ای حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم برای ایران نیز دارد (تاجیک، سعادت، ۱۳۹۵: ۱۳۷). بنابراین چشم‌انداز آینده اسلام سیاسی بر تحولات امنیتی منطقه در فاز اول بستگی به این دارد که رقابت ایران و ترکیه به کدام سمت و سو سوق داده می‌شود. اما آنچه در چشم‌انداز آینده تأثیر مدل اسلام سیاسی ترکیه بر تحولات منطقه‌ای نمایان است میزان توانمندی ایران و ترکیه و سطح تعامل آنها با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نظم منطقه‌ای جدید را مشخص می‌سازد.

موازنه قدرت، اسلام سیاسی و تأثیر آن بر تحولات امنیتی منطقه

ترکیه، یکی از بازیگران مؤثر در محیط امنیت منطقه‌ای خاورمیانه و شرق مدیترانه است که در شکل‌بندی قدرت موازنه دهنده در محیط منطقه‌ای جایگاه مؤثری دارد. تحقق چنین اهدافی نیازمند آن است که ترکیه بتواند خود را با سیستم انطباق‌گرا پیوند دهد. سیستم در شرایطی اهمیت، کارکرد و اثربخشی خواهد داشت که بتواند زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی را به وجود آورد. براساس قانون ریچارد اشپی، تنوع شرط ضروری کنترل است. اشپی بر این موضوع تأکید دارد که به هر میزان نقش بازیگران هماهنگ و سازمان‌یافته‌تر باشد، در آن شرایط امکان ایجاد تعادل در ساختار موازنه قدرت به میزان بیشتری وجود خواهد داشت (متقی، ۱۳۹۴: ۵-۱۷). در این شرایط اینکه ترکیه چگونه می‌تواند میان رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود نوعی توازن یا موازنه قدرت ایجاد کند، تأثیر اسلام سیاسی را بر تحولات منطقه مشخص خواهد نمود.

اسلام سیاسی در ترکیه و تعارضات سیاست خارجی

بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که ترکیه به دلایل زیر نمی‌تواند الگوی مناسبی برای حکوت‌های جدید در جهان عرب باشد. الف- ترکیه به دنبال ایجاد سلطه در منطقه است نه برقراری دموکراسی اسلامی؛ ب- ترکیه و جهان عرب دارای سابقه تاریخی، فرهنگ سیاسی، ساختار طبقاتی و هویت متفاوتی می‌باشند؛ ج- ترکیه دولتی با هویتی غربی است اما جهان عرب دارای هویتی اسلامی است؛ د- میان ناسیونالیسم عرب و ترک تعارض وجود دارد؛ د- ماجرای پارک گزی نشان داد که وضعیت دموکراسی و آزادی‌های اساسی در ترکیه واقعی نیست و وضعیتی موقتی برای عضویت در اتحادیه اروپا است (Atasoy, 2011: 86-100). لذا وجود این تعارضات تأثیرات بسیار مهمی بر روند تحولات آینده خواهد داشت، لذا ترسیم چشم‌اندازی مثبت از تأثیر اسلام سیاسی در ترکیه بر تحولات منطقه‌ای در گرو حل این تعارضات می‌باشد. بنابراین در تحلیل نهایی می‌توان بیان داشت که نقش و جایگاه پارادایم اسلام سیاسی را نمی‌توان در سیاست و امنیت جهانی نادیده انگاشت. فارغ از سازنده یا غیرسازنده بودن نقش اسلام سیاسی با قرانت ترکی، اسلام سیاسی در جهان امروز قدرت بازیگری قابل توجهی دارد که بایستی مورد توجه قرار گیرد (مبیدی و ذالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۴).

نتیجه‌گیری

در انتخابات پارلمانی فروردین سال ۱۳۹۰ پیش از آنکه پیروزی حزب حاکم عدالت و توسعه در انتخابات، اعلام رسمی شود، رجب طیب اردوغان بر ایوانچه دفتر مرکزی حزبش در مرکز شهر آنکارا ظاهر شد و خطاب به جمع هوادارانش گفت: «امروز از استانبول تا بوسنی پیروز شده، از امیر تا بیروت، از آنکارا تا دمشق، از دیاربکر تا رام‌الله، نابلس، جنین، کرانه باختری، قدس و غزه پیروز شده، امروز از ترکیه تا خاورمیانه، قفقاز، بالکان و اروپا پیروز شده.» این جملات به وضوح حاکی از راهبرد جدید ترکیه برای مدد گرفتن از الگوی اسلام سیاسی در ترکیه برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه بوده است. با بررسی این مقاله در قالب بررسی چشم‌انداز اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر تحولات امنیتی نتایج زیر را می‌توان برشمرد؛ اولاً حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر سعی کرده است تا میان سیاست‌های منطقه‌ای و رابطه با غرب (بخصوص ایالات متحده) تعادل برقرار سازد و با اتخاذ یک رویکرد عمل‌گرایانه علاوه

بر بسط نفوذ خود در منطقه در قالب هویت اسلامی، روابط خوبی را با کشورهای غربی برقرار سازد. ثانیاً؛ حزب عدالت و توسعه سیاست خارجی خود را بر اساس ایفای نقش ایدئولوژیک در منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن به یک الگو برای کشورهای منطقه، چند جانبه گرایی، به صفر رساندن مشکلات با کشورهای همسایه، ایفای نقش به عنوان یک کشور میانجی در منطقه و ایجاد تعادل در سیاست‌های منطقه‌ای، اروپایی و آمریکایی تعریف نموده است.

همزمان با خروش گسترده ملت‌های مسلمان و آغاز بیداری اسلامی، کنش‌گری ترکیه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نیز افزایش یافت. بیداری اسلامی و قیام مردم در تونس و مصر فرصتی تازه برای ترکیه فراهم آورد تا با نیت دستیابی به اهداف نئوعثمانی و با حمایت دولت‌های غربی مدل اسلام سیاسی ترکیه را که حزب عدالت و توسعه آن را نمایندگی می‌کرد به این کشورها صادر نماید؛ حتی اخوان المسلمین به عنوان قدیمی‌ترین حزب سیاسی در جهان عرب نیز تأکید کرد که در حکومت‌داری از اسلام سیاسی حزب عدالت و توسعه سرمشق می‌گیرد. اگر چه دولت ترکیه سعی دارد تا رفتار خود در منطقه بالاخص سوریه و نیز عراق را متأثر از تصمیم مستقل و منافع ملی ترکیه تعریف کند، اما مداخلات فاجعه‌آمیز ترکیه در منطقه غرب آسیا همواره هماهنگ با خواست دولت‌های غربی و صهیونیستی بوده و منجر به فجایعی همچون کشته شدن و آوارگی میلیون‌ها شهروند سوری، عراقی و لیبیایی و همچنین ناامنی‌های گسترده در منطقه شده است. با این وجود برخی از کارشناسان معتقدند ترکیه سعی می‌کند با ایجاد تعادل میان سیاست‌های مستقل خود در منطقه و روابط خود با غرب، منافع خود را تأمین نماید، لذا می‌توان بیان داشت که چشم‌انداز تأثیر اسلام سیاسی در ترکیه بر روند تحولات امنیتی منطقه در گرو جهت‌گیری رقابت ایران و ترکیه، موفقیت یا عدم موفقیت ترکیه در ایجاد موازنه قدرت در منطقه و در نهایت حل تعارضات موجود در سیاست خارجی این کشور است.

منابع

۱. ایزدی، جهانبخش و اکبری، حمید رضا (۱۳۹۵)، اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۴۵-۶۷.
۲. بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر، پگاه حوزه، شماره ۲۰۹.
۳. پور احمدی میبدی، حسین و ذالفقاری، عباس (۱۳۹۴)، انواع مدل‌های اسلام سیاسی و تعامل آنها با سیاست جهانی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۱۴، صص ۹-۳۵.
۴. تاجیک، هادی و سعادت، ابوالفضل (۱۳۹۵)، بررسی سیاست خارجی ترکیه در دوره اسلام‌گرایان در قبال سوریه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۴، شماره ۹۵، صص ۱۰۹-۱۴۳.
۵. رشیدی، مصطفی (۱۳۹۵)، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی ترکیه به عنوان بازیگری کوچک در بازی بزرگ خاورمیانه، انجمن ژئوپلیتیک ایران، از: <http://www.iag.ir/the-community> /43-iag/968-2017-01-06-10-28-12
۶. سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران.
۷. متقی، ابراهیم (۱۳۹۴)، نقش ترکیه در روند تحولات سیاسی-امنیتی عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل شماره.
۸. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
۹. مفیدی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر اسلام سیاسی در ترکیه، فصلنامه رهاورد سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۷-۵۲.
۱۰. موثقی، سید احمد و اعتمادی فر، امین (۱۳۹۲)، زمینه‌های اجتماعی اسلام‌گرایی ایران و پسا اسلام‌گرایی ترکیه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره سوم، شماره چهارم، صص ۱۵۷-۱۸۱.
۱۱. نوری تل زالی، مسعود و فلاح پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۶)، روند اسلام‌گرایی در ترکیه و آینده اسلام سیاسی، فصلنامه علمی رهیافت‌های انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص ۲۵-۴۴.

۱۲. هزاوه‌ای، سیدمرتضی (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۱۳-۱۴۳.

سایت‌ها

۱. منبع: استرتفور / مترجم: طلا تسلیمی

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1985417>

منابع لاتین

1. Atasoy, Seymen (2011), "The Turkish Example: A Model for Change in the Middle East" Middle East Policy, Vol 18, No 3, 86-100.
2. Cagaptay, S. (2018), "In long-secular Turkey, sharia is gradually taking over". Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/news/democracy-post/wp/2018/02/16/in-long-secular-turkey-sharia-is-gradually-taking-over/>
3. Kumar, Deepak. (2011), Political Islam: A Marxist Analysis, international Socialist Review, retrieved from: <https://isreview.org/issue/78/political-islam-marxist-analysis>
4. Olga, Bellou (2017), Political Islam & Neo-Ottomanism in Turkey's Foreign Policy: The Case of Recep Tayyip Erdoğan, Graduate Institute of Political and International Studies.
5. Soage, Ana B. (2009) Introduction to Political Islam, Religion Compass, Vol 3, No 5, 887-896.
6. Yarmohammadian, Hussein, Omidi, Ali and Ebrahimi, Shahrooz (2017) Turkish - Iranian Relations: Prospects and Uncertainty, the Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World Vol.6, NO.1, 33-17.
7. MAHMUT KARA AHMETOĞLU, ROLE OF ISLAM IN FOREIGN POLICY OF "AKP", PEDAGOGICAL UNIVERSITY OF CRACOW, POLAND, 2016.
8. Tank, P. (2005). "Political Islam in Turkey: A state of controlled secularity". Turkish Studies,6(1), pp. 3-19. doi:10.1080/1468384042000339294
9. Waltz, Kenneth (1979). Theory of International Politics. New York: Random House, pp. 144-45.
10. Middle East", Middle East Policy, vol 18, No 3, pp 86-100.